از گوشه و کنار

وزارت آموزش‌وپرورش:
امتحانات نهایی دانش‌آموزان مجازی نمی‌شود

وزارت آموزش‌وپرورش شایعات درباره برگزاری مجازی امتحانات نهایی پایه‌های یازدهم و دوازدهم را تکذیب کرد. به گزارش ایلنا، وزارت آموزش‌وپرورش اعلام کرد: تاکنون هیچ تصمیمی برای برگزاری مجازی امتحانات نهایی پایه‌های یازدهم و دوازدهم اتخاذ نشده است. بر اساس اعلام این وزارتخانه، مقرر شده است تا تیرماه برای فراهم شدن شرایط برگزاری امتحانات نهایی صبر شود و در صورتی که امکان برگزاری آزمون‌های نهایی به صورت حضوری فراهم شود، این امتحانات مطابق روال معمول و به شکل حضوری برگزار خواهد شد. در ادامه این توضیحات آمده است: چنانچه شرایط برگزاری آزمون نهایی فراهم نشود، به منظور جلوگیری از ایجاد وقفه در روند تحصیلی دانش‌آموزان و امکان فارغ‌التحصیلی پایه‌های یازدهم و دوازدهم، آزمون‌های داخلی جایگزین برگزار خواهد شد که این آزمون‌ها نهایی نخواهند بود. همچنین تأکید شده است که نوع برگزاری آزمون‌های داخلی بسته به شرایط هر استان متفاوت خواهد بود و ممکن است به صورت حضوری یا مجازی برگزار شود؛ همان‌طور که درباره امتحانات پایه‌های هفتم تا دهم نیز اختیار برگزاری به شورای تأمین استان‌ها واگذار شده است.

قوه قضائیه:
مجتبی کیان اعدام شد

مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرد مجتبی کیان، فرزند محمدقلی، از عناصر همکار دشمن که در طول جنگ اخیر اقدام به ارسال اطلاعات مرتبط با واحدهای صنایع دفاعی کشور به دشمن می‌کرد، پس از تشکیل پرونده و رسیدگی قضایی در دادگستری استان البرز، بامداد امروز پس از تأیید حکم از سوی دیوان عالی کشور و طی روال قانونی، به دار مجازات آویخته شد. بر اساس این گزارش، طبق تحقیقات انجام‌شده، نامبرده در طول جنگ رمضان پیام‌های متعددی را به شبکه‌های معاند وابسته به دشمن صهیونیستی ـ آمریکایی ارسال می‌کرد که از جمله آنها، مختصات و اطلاعات محل واحدهای تولید قطعات مرتبط با صنایع دفاعی کشور بود. محکوم‌علیه در شرایط جنگی، در پیام‌هایی به شبکه وابسته به دشمن، اطلاعات محل شرکت مرتبط با صنایع دفاعی را ارسال و با قید نام نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در پیام ارسالی به عوامل این شبکه تأکید می‌کند که موضوع را «به بی‌بی آمار بده». مجتبی کیان در اعترافات خود عنوان داشته است: «پس از ارسال پیام به شبکه ماهواره‌ای، شماره‌ای را به من معرفی کردند تا اطلاعات را ارسال کنم و من نیز اطلاعات را از آن طریق ارسال کردم.»

بهزیستی خبر داد؛
راه‌اندازی سامانه پایش اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان

راه‌اندازی سیستم هوشمند گزارش‌گیری و پایش اجرای قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در دستور کار دبیرخانه کمیته هماهنگی و نظارت بر اجرای قانون حمایت از حقوق افراد معلول قرار گرفت. به گزارش سازمان بهزیستی کشور، منصور الله‌وردی، رئیس دبیرخانه کمیته هماهنگی و نظارت بر اجرای قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت درباره زمان‌بندی اجرای این طرح گفت: برای طراحی اولیه سامانه و پلتفرم حداکثر شش ماه زمان پیش‌بینی شده است. پس از آن اتصال دستگاه‌ها طی ۹ ماه انجام می‌شود و سپس سامانه به‌صورت آزمایشی در چند استان به مدت شش ماه اجرا خواهد شد و در نهایت به شکل ملی توسعه می‌یابد.

رئیس پلیس راه فراجا اعلام کرد؛
جریمه ۱۲ میلیون راننده به دلیل نبستن کمربند ایمنی

رئیس پلیس راه فراجا از ثبت بیش از ۱۲ میلیون تخلف نبستن کمربند ایمنی خبر داد. به گزارش ایلنا، سردار احمد کرمی‌اسد ادامه داد: کمربند ایمنی شاید در ظاهر تجهیزی ساده به نظر برسد، اما یکی از حیاتی‌ترین ابزارهای حفظ جان راننده و سرنشینان در زمان بروز تصادف است. این سامانه مانع پرتاب شدن افراد از خودرو شده و نقش بسیار مؤثری در کاهش مرگ‌ومیر و شدت جراحات دارد. سردار کرمی‌اسد با اشاره به حادثه اخیر راننده خودروی دیپلمات گفت: نمونه آشکار تأثیر استفاده نکردن از کمربند ایمنی، حادثه راننده خودروی دیپلمات بود که به‌دلیل نبستن کمربند، هنگام تصادف از خودرو به بیرون پرتاب شد و جان خود را از دست داد. بدون تردید اگر کمربند ایمنی بسته شده بود، احتمالاً سرنوشت این فرد به شکل دیگری رقم می‌خورد و شاید تنها با جراحات سطحی از حادثه عبور می‌کرد.

راه‌اندازی هتل‌های کپسولی در پایانه‌های مسافربری پایتخت

مدیرعامل سازمان مدیریت حمل‌ونقل و پایانه‌های مسافربری شهرداری تهران از راه‌اندازی هتل‌های کپسولی در پایانه‌های مسافربری پایتخت با هدف افزایش رفاه و آسایش مسافران خبر داد. به گزارش ایسنا، حمیدرضا حمانی با اشاره به راه‌اندازی هتل‌های یکنفره کپسولی در پایانه‌های مسافربری پایتخت، اظهار کرد: این هتل‌های کپسولی با هدف ایجاد فضایی مناسب برای استراحت و رفاه مسافران در پایانه‌های مسافربری پایتخت در زمان انتظار پیش از سوار شدن به اتوبوس نصب و راه‌اندازی شده‌اند. وی افزود: هتل‌های کوچک مذکور که توسط شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی ساخته شده‌اند، در پایانه‌های مسافربری غرب و جنوب ـ دو پایانه پرتردد شهر تهران ـ نصب و به‌صورت ساعتی به مسافران ارائه می‌شوند.

با شکایت صداوسیما گیوتین ۳.۶ همتی بر گردن آپارات فرود می‌آید؟

ناقض حقوق مالکیت فکری در قامت پلیس «کپی‌رایت»

سعیده علیپور

در حالی که تمام دنیا به دنبال تثبیت جایگاه «پلتفرم‌های واسط» برای جهش اقتصادی هستند، در ایران حکم قضایی بی‌سابقه‌ای صادر شده که گویی متعلق به عصر پیش از اینترنت است. چندی پیش خبر جریمه ۳۶۰۰ میلیارد تومانی آپارات بابت محتوای بارگذاری شده توسط «کاربران» واکنش‌های زیادی را برانگیخت. این جریمه از منظر بسیاری نه یک حکم قضایی ساده، بلکه اعلام جنگی تمام‌عیار علیه نوآوری است.

صداوسیمایی که سال‌هاست قافیه را در جذب مخاطب به رسانه‌های نوین باخته، حالا به‌جای اصلاح ساختار خود، «گیوتین جریمه» را بر گردن پلتفرمی نهاده که جرمش، فراهم کردن بستری برای دیده شدن همان محتواهایی است که در رسانه ملی خاک می‌خورند.

تنبیه جاده به خاطر تخلف راننده!

صدور حکم ۳.۶ همتی علیه مدیرعامل آپارات، عجیب است. چرا که آپارات یک سرویس اشتراک ویدیو (UGC) است؛ یعنی بستری که کاربران در آن محتوا می‌سازند. منطق این حکم درست مانند آن است که شخصی در «تلگرام» یا «ایکس» (توییتر سابق) محتوای مجرمانه‌ای منتشر کند و دادگاه به‌جای تعقیب آن فرد، مدیرعامل تلگرام یا ایلان ماسک را به پرداخت جریمه‌ای نجومی محکوم کند!

آپارات در بیانیه خود به نکته تکان‌دهنده‌ای اشاره کرده است: ۲۶ شکایت در ۱۱ سال. این یعنی صداوسیما به‌جای تعامل، یک استراتژی «فرسایشی» را پیش گرفته تا رمق بخش خصوصی را بگیرد. اما سوال اینجاست: آیا در نظام حقوقی ما، تعاریف دنیای دیجیتال اصلاً معنایی دارند؟

در تمام دنیا، قوانینی وجود دارد که از پلتفرم‌ها در برابر خطای کاربران محافظت می‌کند. معروف‌ترین آن‌ها قانون کپی‌رایت هزاره دیجیتال (DMCA) در آمریکا و قوانین مشابه در اروپا است.

یوتیوب میلیون‌ها ساعت ویدیو در ساعت دریافت می‌کند. قانون بین‌المللی می‌گوید یوتیوب مسئول محتوای کاربر نیست، مگر اینکه صاحب اثر (مثلاً یک استودیو فیلم‌سازی) گزارش تخلف بدهد و یوتیوب آن را حذف نکند. به این اصل «بندرگاه امن» (Safe Harbor) می‌گویند.

اما آنچه در ایران رخ داده با تجربه جهانی متفاوت است. در حکم اخیر آپارات، دادگاه «تعهد به نظارت پیشینی» را بر عهده پلتفرم گذاشته است؛ امری که از نظر فنی محال و از نظر حقوقی با اصل «شخصی بودن مسئولیت کیفری» در تضاد است.

یکی از مضحک‌ترین اتفاقات این روزها این است که سازمان صداوسیما در حالی در قامت «پلیس کپی‌رایت» ظاهر شده و بابت محتوای بارگذاری شده توسط کاربران در آپارات ادعای خسارت ۳.۶ همتی می‌کند که خود، دهه‌هاست به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ناقضان حقوق مالکیت فکری در سطح ملی و بین‌المللی شناخته می‌شود

کپی‌رایت برای همسایه، غارت برای ما!

یکی از گزنده‌ترین و مضحک‌ترین ابعاد این پرونده، شخصیت «شاکی» است. سازمان صداوسیما در حالی در قامت «پلیس کپی‌رایت» ظاهر شده و بابت محتوای بارگذاری شده توسط کاربران ادعای خسارت ۳.۶ همتی می‌کند که خود، دهه‌هاست به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ناقضان حقوق مالکیت فکری در سطح ملی و بین‌المللی شناخته می‌شود. این تناقض رفتاری، فراتر از یک بحث حقوقی، به یک طنز تلخ در فضای رسانه‌ای ایران تبدیل شده است.

صداوسیما سال‌هاست که فیلم‌های سینمایی روز دنیا و انیمیشن‌های غول‌های فیلم‌سازی نظیر دیزنی، وارنر و نتفلیکس را بدون پرداخت حتی یک سنت بابت «حق پخش» (Copyright)، دوبله و پخش می‌کند.

پخش فیلم‌های بلاک‌باستر جهانی تنها چند هفته پس از انتشار نسخه باکیفیت، بدون اجازه از کمپانی سازنده، در شبکه‌های نمایش و شبکه سه به یک روال عادی تبدیل شده است. اگر استاندارد حقوقی که صداوسیما برای آپارات می‌پسندد (مسئولیت مستقیم بستر پخش) در سطح بین‌المللی علیه خود این سازمان اجرا می‌شد، صداوسیما تا به حال باید بابت ده‌ها پخش غیرقانونی آثار جهانی، صدها میلیارد دلار جریمه به استودیوهای خارجی پرداخت می‌کرد و احتمالاً تمام اموال بین‌المللی‌اش مصادره می‌شد.

یکی از بارزترین مصادیق نقض کپی‌رایت که حتی با تمسخر رسانه‌های خارجی همراه بوده، نحوه پخش مسابقات ورزشی است.

بارها مشاهده شده که صداوسیما برای فرار از خرید حق پخش مسابقات فوتبال اروپایی یا بازی‌های آسیایی، از «فید» پلتفرم‌های بین‌المللی مثل beIN Sports استفاده کرده و با ناشی‌گری تمام، لوگوی آن شبکه را با لوگوی شبکه سه یا شبکه ورزش پوشانده است. این اقدام، مصداق بارز سرقت محتواست.

حال چطور سازمانی که خود «سیگنال» دیگران را می‌رباید، مدعی حق کپی‌رایت در برابر یک پلتفرم داخلی شده است؟

صداوسیما حتی به هنرمندان داخل کشور هم رحم نمی‌کند. بارها کارگردانان، آهنگسازان و خوانندگان داخلی نسبت به پخش یا تقطیع آثارشان بدون اجازه، اعتراض کرده‌اند.

بارها مشاهده شده که صداوسیما برای فرار از خرید حق پخش مسابقات فوتبال اروپایی یا بازی‌های آسیایی، از «فید» پلتفرم‌های بین‌المللی مثل beIN Sports استفاده کرده و با ناشی‌گری تمام، لوگوی آن شبکه را با لوگوی شبکه سه یا شبکه ورزش پوشانده است. این اقدام، مصداق بارز سرقت محتواست

پرونده‌های مشهوری همچون اعتراضات مکرر زنده‌یاد استاد محمدرضا شجریان بابت پخش آثارش (بجز ربنا) از صداوسیما که سال‌ها بی‌نتیجه ماند، یا اعتراضات اخیر خوانندگانی چون محمد معتمدی که از استفاده ابزاری از صدایشان در بخش‌های خبری و سیاسی بدون اجازه شکایت داشتند، تنها مشتی از خروار است.

صداوسیما کلیپ‌های ساخته شده توسط هنرمندان را بدون اجازه در برنامه‌های «ترکیبی» خود پخش می‌کند، اما وقتی یک کاربر در آپارات، تکه‌ای از یک برنامه تلویزیونی را بارگذاری می‌کند، ناگهان یاد «قداست کپی‌رایت» می‌افتد!

استاندارد دوگانه صداوسیما

در تمام دنیا، کپی‌رایت یک «جاده دوطرفه» است. اگر صداوسیما مدعی است که محتوایش ارزشمند است و نباید بدون اجازه در پلتفرم‌ها باشد، ابتدا باید ثابت کند که خود برای محتوای دیگران ارزش قائل است.

از منظر حقوقی، این یک تناقض غیرقابل دفاع است که سازمانی که ساختار فعالیتش بر پایه «استفاده رایگان و غیرقانونی از آثار جهانی و داخلی» بناشده، برای یک پلتفرم کاربرمحور (که خودش محتوا را تولید نکرده) جریمه‌ای معادل بودجه چندین وزارتخانه طلب کند.

رقابت‌گریزی در لوای قانون

محمد رهبری، مشاور وزیر ارتباطات، در تحلیل خود به ریشه این برخوردها اشاره می‌کند. او در گفت‌وگو با خبرآنلاین تصریح می‌کند که صداوسیما تاب رقابت با رقبای قدرتمند را ندارد و ادامه می‌دهد: «به نظر می‌رسد وجود رقبای قدرتمند برای صداوسیما، به‌ویژه رقبایی که بتوانند مخاطب جذب کنند، چندان مطلوب تلقی نمی‌شود. زمانی که به‌جای رقابت حرفه‌ای، شاهد محدود کردن رقبا از مسیرهای غیررقابتی باشیم، این پیام منتقل می‌شود که به‌جای افزایش کیفیت، تلاش می‌شود از طریق ابزارهایی مانند پرونده‌های قضایی، رقیب تضعیف شود».

او همچنین تأکید می‌کند که در دنیا، مسئولیت محتوا متوجه «کاربر» است نه «پلتفرم»؛ و تا زمانی که این تفکیک در ذهن قانون‌گذار و قاضی ما شکل نگیرد، امنیت اقتصادی در حوزه دیجیتال سرابی بیش نخواهد بود.

پلتفرم‌ها، فرشته نجات یا دشمن؟

صداوسیما که با افت شدید مخاطب روبروست، باید سپاسگزار پلتفرم‌هایی مثل آپارات باشد. وقتی کاربری بخشی از یک سریال یا برنامه تلویزیونی را در آپارات بارگذاری می‌کند، در واقع دارد به «دیده‌شدن» محتوایی کمک می‌کند که صداوسیما با بودجه‌های کلان حاکمیتی تولید کرده اما نتوانسته در زمان پخش، مخاطب را پای گیرنده بنشاند.

این پلتفرم‌ها پل ارتباطی جامعه‌ای هستند که از رسانه رسمی بریده است. حمله به این پل، نشان‌دهنده یک «خودزنی استراتژیک» است؛ سازمان می‌خواهد رقیب را زمین بزند، حتی به قیمت اینکه محتوای خودش هم دیگر دیده نشود!

در چنین فضایی است که برخی از کارشناسان معتقدند؛ اگر این حکم قطعی و به یک «رویه قضایی» تبدیل شود، باید فاتحه اقتصاد دیجیتال را خواند چرا که در این صورت مثلا دیوار و شیپور باید بابت هر آگهی خلاف یا کلاهبرداری توسط کاربران، جریمه‌های میلیاردی بدهند.

یا پیام‌رسان‌های داخلی (ایتا، بله و...) باید بابت هر پیامی که بین کاربران رد و بدل می‌شود، پاسخگوی دادگاه باشند.

در اینجاست که به نظر می‌رسد حکم ۳۶۰۰ میلیارد تومانی، بوی «تصفیه‌حساب» می‌دهد تا اجرای قانون. این جریمه نه تنها نامتناسب با جرم است، بلکه بر پایه تفسیری غلط از مفهوم پلتفرم صادر شده است.

توسعه اقتصاد دیجیتال و جذب سرمایه‌گذاری که از اهداف کلان نظام و برنامه هفتم توسعه است، با چنین احکامی عملاً به بن‌بست می‌رسد. انتظار می‌رود مقامات ارشد قضایی با ورود به این پرونده، مانع از آن شوند که ضعف‌های مدیریتی و کاهش نفوذ یک رسانه انحصارگرا، تیشه به ریشه بخش خصوصی و سرمایه‌های دیجیتال کشور بزند. اعتبار دستگاه قضا نباید قربانی رقابت‌گریزی سازمانی شود که به‌جای اصلاح خود، به دنبال حذف دیگران است.

گزارش

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران:
آسیب‌های روانی فقر و سوءتغذیه به ۴ نسل بعد هم منتقل می‌شود

کم‌توانی و حتی ناتوانی برخی خانوارها برای خرید مواد غذایی اساسی حالا دیگر موضوعی قابل کتمان نیست. معضلی که از چند سال پیش نم‌نمک بروز و ظهور پیدا کرد، در آخرین ماه‌های متصل به جنگ شدت گرفت و از آغاز جنگ و به‌ویژه در روزهای آتش‌بس به اوج خود رسید.

«محمد قدیری وصفی» روانپزشک و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران در گفت‌وگو با ایلنا درباره ارتباط فقر، کاهش مصرف مواد غذایی و سلامت روان توضیح می‌دهد: ما به دلیل فقر با مشکلاتی در حوزه تامین مواد غذایی مواجهیم به نحوی که حدود ۵۰ درصد جامعه ما به گواه اخبار منتشر شده، زیر خط فقر قرار دارند.

او با اشاره به تقسیم‌بندی فقر به فقر مطلق و فقر نسبی ادامه می‌دهد: فقر مطلق به معنای آن است که یک فرد حدود یک و نیم دلار در روز درآمد دارد؛ عددی معادل ۶ میلیون تومان در ماه که باعث می‌شود مواد غذایی به مغز فرد نرسد. از سوی دیگر به صورت معمول اطرافیان این فرد و آن‌ها که با او در یک محیط زندگی می‌کنند هم در شرایطی مشابه قرار دارند و با همین نوع فقر دست و پنجه نرم می‌کنند.

بنا بر اعلام این استاد روانپزشکی، در جامعه گرفتار شده در فقر مطلق بیماری‌های روانپزشکی افزایش می‌یابد که در راس این بیماری‌ها اضطراب، افسردگی، مصرف مواد مخدر و محرک و تکانش‌گری قرار دارد: تکانش‌گری به معنای بزه‌کاری، قتل، پرخاشگری، تخریب و خشونت است.

آثار فقر مطلق تا نسل‌ها ادامه می‌یابد

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران حل معضل فقر مطلق را ماموریت و وظیفه دولت دانسته و آن را مساله‌ای حاکمیتی توصیف می‌کند: افراد گرفتار در فقر مطلق به لحاظ رشد مغزی با مشکل مواجه می‌شوند، زیرا فرزندان‌شان در دوران بارداری و در دوره‌ای که شیر مادر را مصرف می‌کنند با مشکلات جدی سوءتغذیه دست و پنجه نرم می‌کنند به نحوی که ویتامین‌های مورد نیاز به مغز کودک نمی‌رسد. معمولا کودکی که در چنین وضعیتی رشد می‌کند نسبت به کودکانی که متعلق به طبقه متوسط جامعه هستند، آینده‌ای مطلوب نخواهند داشت.

او این را هم می‌گوید که فقر مساله‌ای «نسلی» یعنی مربوط به نسل حاضر و همچنین «بین نسلی» است به این معنا که اگر در خانواده‌ای که دچار فقر شده‌اند اتفاقی رخ دهد و در نسل بعد هم تکرار شود، حتی اگر فقر مرتفع شود هم آن موضوع در ۴ یا ۵ نسل دیگر پایدار می‌ماند. نباید فکر کنیم که با رفع فقر، معضلات روان‌شناختی افرادی که گرفتار آن بوده‌اند هم از بین می‌رود بلکه در ۴ نسل این مشکلات باقی می‌ماند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه اضافه می‌کند: اگر جامعه‌ای به فقر مبتلا شود، نسل‌های بعدی آن دچار مشکلات بسیار جدی در حوزه شناختی خواهند شد. به این معنا که در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مرتکب اشتباهات مکرر می‌شوند و تکانش‌گری و مصرف مواد مخدر در نسل‌های بعد افزایش خواهد داشت.

او هشدار می‌دهد که آثار فقر مطلق تا نسل‌ها ادامه می‌یابد و این موضوع بسیار جدی است. دولت‌ها گمان می‌کنند اگر میزان حقوق افراد گرفتار به فقر مطلق را افزایش دهند یکی، دو سال بعد شرایط آن‌ها خوب خواهد شد، در حالی که چنین نیست. حتی اگر وضعیت زندگی آن‌ها را بهتر کنیم تازه از ۴ نسل بعد روند بهبود و تغییرات مثبت شناختی در این گروه آغاز می‌شود.

سقوط ۳۰ درصد از طبقه متوسط به سمت فقر

قدیری درباره بخشی از جامعه که دچار فقر نسبی هستند هم توضیح می‌دهد: این افراد حدود ۳ تا ۵ دلار در روز درآمد دارند و وضعیت‌شان به بغرنجی گروه گرفتار در فقر مطلق نیست. در کشور ما طی دو دهه اخیر حدود ۳۰ درصد از طبقه متوسط به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که طبقه فقیر در جامعه ما فربه و طبقه متوسط لاغر شده است.

او عنوان می‌کند: افرادی که از طبقه متوسط وارد طبقه فقیر شده‌اند، حسی نوستالژیک به طبقه اجتماعی خودشان دارند و احساس می‌کنند دوباره به طبقه متوسط باز می‌گردند در حالی که این تنها یک آرزو است و آن‌ها مجبورند منازل خود را به مناطق پایین‌شهر، حاشیه شهرها و... منتقل کنند.

این روانپزشک با بیان اینکه بازگشت دوباره گروهی که به طبقه فقیر کوچ کرده است به طبقه متوسط اصلا ساده نیست، می‌افزاید: آن‌ها در طبقه متوسط رشد کرده و بزرگ شده‌اند و تا پیش از سقوط به فقر، سبک زندگی خاص خود را داشته‌اند، آن‌ها کتاب مطالعه می‌کنند، اهل سینما، تئاتر و موسیقی هستند و... در حالی که بعد از حضور در طبقه فقیر، این گروه به ناچار همه این موارد را از دست می‌دهد و با نازل‌ترین استانداردهای زندگی دست به گریبان می‌شود.

قدیری این را هم می‌گوید که حس تعلق خاطر گروهی که به تازگی وارد طبقه فقیر جامعه شده‌اند به سبک زندگی خود باعث افزایش اضطراب و افسردگی و بروز تکانش‌گری در میان آن‌ها می‌شود. از آنجایی که وقتی فرد فقیر می‌شود به میزانی دچار بیماری‌های روانشناختی و گرایش به مصرف مواد مخدر برای کسب آرامش می‌شود، می‌توان گفت فقر افراد را برای ورود به رفتارهای بزهکارانه و ابراز خشونت آماده می‌کند.

طبقه متوسط یعنی آرامش و توسعه در جامعه

به گفته او، به نظر می‌رسد که خود پدیده فقر هم از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد به نحوی که این افراد نمی‌توانند شرایط خود را بهبود بخشند: به همین دلیل است که می‌گوییم دولت‌ها موظفند که در درجه اول فقر مطلق و در درجه دوم فقر نسبی را در جامعه کاهش داده و تلاش کند که طبقه متوسط در جامعه را وسعت بخشد. طبقه متوسط به معنای وجود آرامش، امنیت، صلح، مولفه‌های زمینه‌ساز رشد اقتصادی و توسعه پایدار در جامعه است.

«با توجه به گسترش فقر در جامعه و تعدیل شدید نیروهای کار در جامعه که منجر به بیشتر شدن تعداد افراد کم‌درآمد و فقیر شده است، دولت چقدر فرصت دارد که از آسیب‌دیدگی بیشتر سلامت روان شهروندان پیشگیری کند؟» پرسشی که این روانپزشک در پاسخ به آن می‌گوید: هر یک روزی که دولت زودتر اقدام کند به معنای برداشت و هر یک روز تاخیر به معنای شکست بیشتر است.